

تقدیم به دکتر جلال خالقی مطلق  
و مصطفی جیحونی مصححان ایرانی شاهنامه



در تاریخ ادبیات و فرهنگ ایران، تبریز عصر ایلخانان یکی از مراکز مهم علمی - ادبی این سرزمین بوده است. مجموعه خواجه نصیرالدین طوسی با کتابخانه‌ای شامل چهارصد هزار جلد کتاب در شهر مراغه - که در نزدیکی تبریز است - و کتابخانه رشیدالدین فضل‌الله وزیر و شصت هزار نسخه‌ای که در دانش‌های گوناگون از شهرهای ایران و کشورهای دیگر در آن گرد آمده بود، موجب شده بود که این ناحیه محل اجتماع دانشمندان و ادیبان و از کانون‌های گسترش علم و ادب در ایران باشد چنان که از منظر ادبی، با وجود پراکندگی اسناد و منتشر نشدن همه منابع خطی و یا از بین رفتن آنها در گذر زمان، حداقل نام و نشان و نمونه شعر سی شاعر - البته با تفاوت در کمیت اشعار بازمانده - از تبریز سده‌های هفت و هشت هجری به ما رسیده است.<sup>۲</sup>

در همین دوران درخشان فرهنگی، ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، از فرهیختگان صاحب تألیف این شهر، جنگی را در فاصله سال‌های (۷۲۰ - ۷۳۶ ق) گردآوری و کتابت کرده که در بردارنده حدود ۲۱۰ رساله، نامه و نوشته در موضوعات مختلف است. این مجموعه ارزشمند در ۳۷۲ برگ و به شماره ۱۴۵۹۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگه‌داری می‌شود و مرکز نشر دانشگاهی آن را با نام «سفینه تبریز» به صورت عکسی (نسخه‌برگردان)<sup>۳</sup> منتشر کرده است.\*

<sup>۱</sup> در این باره، برای نمونه، نک: ذبیح‌الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران (تهران: فردوسی، ۱۳۶۳)، ۳/۳: ۴۸، ۲۱۶.

<sup>۲</sup> برای نام و نمونه‌ای از آثار این شاعران، نک: عزیز دولت‌آبادی، سخنوران آذربایجان، تبریز: ستوده، ۱۳۷۷.

<sup>۳</sup> سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.

\* از فرهنگ‌پروری آقای اصغر هاشمی در شهر ارومیه که نسخه‌برگردان «سفینه تبریز» را مدتی به امانت در اختیار بنده نهادند، بسیار سپاسگزارم.

## شاهنامه در «سفینه تبریز»

### سجاد آیدنلو\*

(ارومیه)

**چکیده:** این مقاله به بررسی نسخه‌ای منتخب از شاهنامه، در سفینه تبریز، شامل ۱۲۴۵ بیت، و بررسی ویژگی‌های نسخه‌اساس و خانواده آن می‌پردازد. در این نسخه که شامل داستان رستم و سهراب و منتخبی از داستان رستم و اکوان دیو و ابیاتی از داستان رستم و اسفندیار و ابیاتی از بخش‌های مختلف شاهنامه است، برخی خطاهای آشکار در ابیات شاهنامه دیده می‌شود که عدم اصلاح آنها نشان می‌دهد ابوالمجد تبریزی، کاتب و گردآورنده سفینه، که مردی باسواد و ادیب بود، خود را مقید به حفظ و انتقال عین ضبط نسخه‌اساس می‌دانسته است. وی ابیات شاهنامه را به ترتیب در ۹، ۱۴ و ۱۶ جمادی‌الاولی ۷۲۱ نوشته است، برین اساس تاریخ تحریر نسخه‌ای که ابوالمجد از روی آن کتابت کرده است پیش از ۷۲۱ ق بوده است که از تنها دو دستنویس معتبر شاهنامه یعنی نسخه فلورانس (۶۱۴ ق) و بریتانیا (۶۷۵ ق) متأخرتر است و می‌توان از بررسی این ابیات در سفینه تا حدودی به برخی ویژگی‌های کلی نسخه کهنی که اساس کتابت ابوالمجد در سفینه بوده است دست یافت.

بنابراین در قرن ششم و هفتم هجری در تبریز دستنویس‌های قابل اعتنائی از شاهنامه موجود و در دسترس ادبا بوده است و دستنویس مورد استفاده ابوالمجد با این که به سه نسخه فلورانس (۶۱۴ ق) قاهره (۷۴۱ ق) و واتیکان (۸۴۸ ق) که هر سه نسخه از نظر تبارشناسی متعلق به یک شاخه‌اند، متمایل است، اما به دلیل داشتن ضبط‌های منحصر به فرد بسیار و ابیاتی الحاقی که در هیچ یک از شانزده دستنویس معتبر شاهنامه دیده نمی‌شود احتمالاً از مادر نسخه و خانواده ویژه و جداگانه‌ای بوده است که در بخش‌هایی با نسخه‌های معتبر خویشاوندی نداشته است، اما اثبات یا رد این گمان و تعیین دقیق خویشاوندی این نسخه مشروط به مقابله کامل همه ۱۲۴۵ بیت با تمام ضبط‌های شانزده نسخه است.

این نسخه هر چند به لحاظ تاریخ کتابت شاید سومین نسخه کهن شاهنامه باشد، اما اعتبار و اصالت آن همسنگ سایر نسخه‌های قدیمی مانند تویقاپوسرای (۷۳۱ ق)، نین‌گرا (۷۳۲ ق) و قاهره (۷۴۱ ق) نیست و باید آن را نسخه‌ای متوسط دانست که می‌توانست در حاشیه تصحیح شاهنامه مورد مراجعه قرار گیرد.

**کلید واژه:** ابوالمجد تبریزی؛ سفینه تبریز؛ شاهنامه؛ شاهنامه فلورانس؛ شاهنامه لندن؛ شاهنامه قاهره؛ شاهنامه واتیکان؛ تبریز؛ نسخه‌اساس.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور ارومیه.



در سفینه تبریز، برگزیده یا متن کامل ۲۸ مجموعه و اثر به نظم پارسی آمده<sup>۴</sup> که یکی از آنها نیز شاهنامه فردوسی است و این نشان می‌دهد که در محیط ادبی تبریز آن روزگار و ذوق و پسند ادبا - و چه بسا مردم عادی - این شهر، شاهنامه، هم چنان که در طول تاریخ فرهنگ و ادب ایران، مورد اقبال و علاقه بوده است. اساساً پیشینه نفوذ و تأثیر فرهنگی - ادبی حماسه ملی ایران در تبریز و به طور کلی آذربایجان، به دو یا سه دهه پس از پایان تدوین شاهنامه می‌رسد و اشارات و قراین موجود در دیوان قطران تبریزی، مهم‌ترین گواه این آشنایی و توجه است.<sup>۵</sup> سند مهم دیگر درباره نفوذ شاهنامه در آذربایجان که تاکنون بدان توجه نشده، کاشی‌ها و سفال‌پاره‌هایی است که در این منطقه به دست آمده و تصاویر و ابیات شاهنامه‌ای بر آنها دیده می‌شود. برای نمونه کاسه‌ای سفالی از قرن پنجم در یکی از تپه‌های ارومیه کشف شده که بر روی آن نقش مردی با دو مار به نظر می‌رسد و احتمالاً از الگوی ضحاک اقتباس شده است یا در چند کاشی مربوط به تخت سلیمان و از سده هفتم، بیت‌هایی از شاهنامه نگاشته شده است.<sup>۶</sup> افزون بر این، در فرانسوالسلوک که شمس سجاسی به سال ۶۰۹ق در آذربایجان تألیف کرده، تقریباً ۶۵ بیت از شاهنامه در بخش‌های مختلف آمده<sup>۷</sup> و در دوجا از فردوسی با تعظیم و احترام یاد شده است: «صاحب سخن خوشگوی و حکیم النفس شیرین نفس فردوسی طوسی - رَحِمَةُ اللَّهِ - در این معنی سره می‌گوید» (ص ۲۰) و «رحمت بر روان فردوسی باد که در این معنی سره می‌فرماید.» (ص ۵۹۴) علی بن محمد نظام تبریزی در حدود سال‌های (۷۹۰-۸۰۰ق) در کتاب بلوهر و بیودسلف به بیستی الحاقی از شاهنامه اشاره کرده است<sup>۸</sup> که در ادامه مقاله بدان خواهیم پرداخت و در دوره‌ای که سرودن منظومه‌های تاریخی به بحر متقارب

رواج داشته (قرن ۷ و ۸ق)، زجاجی تبریزی تاریخ روزگار بنی امیه تا فروپاشی خلافت بغداد را در تقریباً ۲۳ هزار بیت<sup>۹</sup> و احمد تبریزی در منظومه شهنشاهنامه رویدادهای تاریخی را تا (۷۳۸ق) به نظم درآورده است<sup>۱۰</sup> که هر دو از مقلدان فردوسی بوده و به شیوه شاهنامه نظر داشته‌اند.

با ملاحظه این شواهد از توجه و احترام به فردوسی و شاهنامه در تبریز و آذربایجان تا قرن هشتم، طبیعی است که در سفینه تبریز هم که برگزیده و نوشته شاعری دانشمند است، بخشی ویژه ابیات شاهنامه باشد.

در سفینه تبریز، بخش مربوط به شاهنامه با این سرنویس آغاز می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم می [فی / من؟] کتاب شاهنامه من مقالة الحكيم افضل [افضل] الشعر والحكما فردوسی طاب ثراه» (ص ۵۶۸) و سپس مجموعاً ۱۲۴۵ بیت آمده (ص ۵۶۸-۵۷۸) که به ترتیب شامل این قسمت‌هاست:

۱. مقدمه آغازین شاهنامه در ۱۵ بیت و این بیت از گفتار دیگر دیباجه:

کنون ای خردمند فضل و خرد

بدین جایگه گفتن اندر خورد (۵۶۸)

۲. داستان رستم و سهراب (۱۰۲۰ بیت).

۳. داستان رستم و اکوان دیو (۱۸۶ بیت).

۴. منتخبی از داستان رستم و اسفندیار (ده بیت) و از بخش‌های مختلف شاهنامه (سیزده بیت).

استاد عبدالحسین حائری در معرفی آثار موجود در سفینه، درباره بخش شاهنامه نوشته‌اند: «انتخاب از سه داستان از شاهنامه فردوسی است»<sup>۱۱</sup> و فهرست مندرجات را چنین آورده‌اند:

الف) انتخاب از رستم و سهراب؛

ب) داستان رستم و اکوان دیو؛

ج) جنگ رستم و اسفندیار، بخش کوتاهی است از آن داستان.

<sup>۴</sup> فهرست این آثار عبارت است از: مناظره گل و مل (ابوسعید ترمذی)، مناظره سرو و آب (قاضی نظام اصفهانی)، مناظره شراب و حشیش (سعدیها)، مناظره شراب و حشیش (بدون نام ناظم)، مناظره شمشیر و قلم، مناظره زمین و آسمان (بدون نام سراینده)، مناظره النار و التراب (حاج بله)، مناظره السمع والبصر، مناظره نظم و نثر (هر دو از ابوالمجد تبریزی)، قصیده‌ای از فخرالدین رازی، غزلیات عتیقی تبریزی، دیوان ظهیر فاریابی، دیوان مجدالدین ملک محمود بن مظفر تبریزی، دیوان مجدالدین محمد تبریزی، مثنوی مناظره آهو (عتیقی)، صحبت‌نامه (همام تبریزی)، عشق‌نامه (عزالدین عطائی تبریزی)، گزیده‌ای از حدیقه سنائی، برگزیده ویس و رامین، گزیده‌ای از خسرو و شیرین، لیلی و مجنون و هفت پیکر، رباعیات اوحدالدین کرمانی، خلاصه الاشعار فی الرباعیات، ترجمه منظوم قصیده ابوالفتح بُستی از بدرالدین جاجرمی و منتخبی از شاهنامه.

<sup>۵</sup> در این باره نک: سجاد آیدنلو، «نخستین سند ادبی ارتباط آذربایجان و شاهنامه»، ایران شناسی، س ۱۷ (بهار ۱۳۸۴)، ش ۱: ۷۶-۹۵.

<sup>۶</sup> برای دیدن این کاشی‌ها و سفال‌ها، نک: زهره روح فر، تجلی شاهنامه در هنر اسلامی ایران (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱)، صص ۳۸، ۴۱ و ۴۸.

<sup>۷</sup> نک: اسحاق بن ابراهیم سجاسی، فرانسوالسلوک به تصحیح و تحشیه نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی. تهران: پازنگ، ۱۳۶۸؛ و نیز: محمد امین ریاحی، سرچشمه‌های فردوسی شناسی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج ۲، ۱۳۸۲)، صص ۱۰۴، ۲۰۴ - ۲۰۵.

<sup>۸</sup> نک: علی بن محمد نظام تبریزی، بلوهر و بیودسلف، پیشگفتار، نمایه‌ها و ویرایش محمد روشن (تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۶.

<sup>۹</sup> درباره این مثنوی، نک: عزیز دولت‌آبادی، سخنوران آذربایجان (تبریز: ستوده، ۱۳۷۷)، ۱: ۳۸۸ - ۳۸۹.

<sup>۱۰</sup> درباره شهنشاهنامه، برای نمونه، نک: ذبیح‌الله صفا، حماسه‌سرایی در ایران (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، صص ۳۵۷ - ۳۵۸، منوچهر مرتضوی، مسائل عصر ایلخانان، (تهران: آگاه، ج ۲، ۱۳۷۰)، صص ۳۸۱، ۵۵۷ - ۵۵۸.

<sup>۱۱</sup> نک: عبدالحسین حائری، «سفینه تبریز کتابخانه‌ای بین‌الدفتین»، نامه بهارستان، س ۲، ش ۲ (پاییز - زمستان ۱۳۸۰)، دفتر ۴: ۵۸.



به یک زخم برگشتی از کارزار بختی بر آن باره نامدار  
هم اکنون به خاک اندرآیدسرت بسوزد دل مهربان مادرت  
در این جاده بیت مربوط به داستان رستم و اسفندیار پایان  
می یابد و سیزده بیت دیگر ابیاتی است حکمی و اندرزآمیز  
از داستان‌ها و بخش‌های مختلف شاهنامه که به ترتیب  
ذکر در سفینه و با تعیین محل آنها برپایه تصحیح  
دکتر خالقی مطلق و چاپ مسکو - و البته با تفاوت‌هایی  
در ضبط برخی از این بیت‌ها با چاپ‌های یادشده - چنین است:

— سپری شدن روزگار کاووس:  
چنین است رسم سرای سپنج در او جاودانه نمائی مرنج  
(خالقی ۴/۳۲۶/۲۴۲۷)

— سپری شدن روزگار کاووس:  
نه دانا گذر یابد از چنگ مرگ نه جنگ آورد زیر خفتان و ترگ  
(خالقی ۴/۳۲۶/۲۴۲۸)

— آغاز پادشاهی یزدگرد سوم:  
وگر اسپ گردون کشد زین تو سرانجام خشت است بالین تو  
(مسکو ۸/۳۱۱/۹)

— سپری شدن روزگار کاووس:  
وگر شاه باشی وگر زده‌هشت نهالی ز خاک است و بالین ز خشت  
(خالقی ۴/۳۲۶/۲۴۲۹)

— پادشاهی ضحاک:  
وگر باره آهنینی به پای سپهرت بساید نمائی به جای  
(خالقی ۱/۶۱/۹۰)

— در هیچ یک از چاپ‌ها و دستنویس‌های معتبر  
شاهنامه نیست:

بکشیم سخت و بتازیم تیز چو آرام گیریم گویند خیز  
(← بیت‌های الحاقی، همین مقاله)

— سپری شدن روزگار کاووس:  
سار [بناز؟] و بیار [بباز؟] و همه کام جوی

وگر کام دل یافتی نام جوی  
(خالقی ۴/۳۲۶/۲۴۳۰)

— داستان کین سیاوش:  
پیوش و بنوش و ببخش و بخور تو را بهره این است از این رهگذر  
(خالقی ۲/۴۱۰/۴۱۰)

— پادشاهی فرخ‌زاد:  
بخور گنج داری فزونی بده تو رنجیده‌ای بهر دشمن منه  
(مسکو ۹/۳۱۰/۱۴)

اما باید توجه داشت که داستان رستم و سهراب - بدون  
در نظر گرفتن ابیات الحاقی و افتاده آن - کامل است  
و منتخبی از داستان نیست؛ در بخش رستم و اسفندیار هم،  
چنان که اشاره شد، از ۲۳ بیت فقط ده بیت از دو قسمت  
این داستان است و سیزده بیت دیگر از بخش‌های  
گوناگون شاهنامه انتخاب شده است. همچنین غیر از سه  
بخش مذکور، مقدمه پانزده بیتی با بیتی دیگر از دیباچه  
شاهنامه نیز در سفینه آمده است. ابوالمجد تبریزی در  
پایان داستان رستم و سهراب نوشته است: «تمام شد کتاب  
سهراب‌نامه از [؟] شاه‌نامه» (ص ۵۷۶) یعنی این داستان  
را «کتاب» و آن هم «سهراب‌نامه» و نه رستم و سهراب،  
نامیده است. در میان دستنویس‌های شاهنامه تنها نسخه لیدن  
(۸۴۰ق) سرنویسی به صورت «داستان سهراب‌نامه» دارد<sup>۱۳</sup>  
و شاید این عنوان در آن نسخه و دستنویس مبنای کتابت  
سفینه - یا افزوده خود ابوالمجد در پایان داستان -  
تقلیدی از نام منظومه‌هایی چون: گرشاسپ‌نامه، فرامرنامه،  
جهانگیرنامه، شهریارنامه، برزنامه و... باشد و این حدس  
بیشتر از آن روی است که در ادب منظوم حماسی ایران،  
منظومه‌ای - هر چند کوتاه و هزار بیتی مانند بانوگشسپ‌نامه -  
به نام سهراب وجود ندارد و چه بسا این استثنا در میان فرزندان  
رستم باعث شده است که بعدها کاتبان شاهنامه در پی جبران  
مافات برآیند و یگانه داستانی را که این پهلوان ناکام در آن حضور  
دارد، «سهراب‌نامه» بنامند تا او نیز در ادب حماسی چیزی  
از برادران و خواهران و فرزندان پهلوان خویش کم نداشته باشد.  
قسمت رستم و اسفندیار در سفینه تبریز چنین سرعنوانی  
دارد: «حملات [حملات] رستم با اسفندیار و هلال [حلال؟]  
کردن رستم اسفندیار را» و با این دو بیت شروع می‌شود:

اگر من نرفتی به مازندران  
که کندی دل و مغز دیو سپید  
به گردن برآورده گرز گران

که رآید به بازوی خویش این امید (۵۷۸)  
و پس از حذف ۱۳ بیت (طبق تصحیح دکتر خالقی مطلق)<sup>۱۴</sup>  
دنباله پاسخ رستم را با بیت

گراز یال کاووس خون آمدی ز پشتش سیاوش چون آمدی  
پی می‌گیرد و پس از چهار بیت از ادامه همان بحث، به ناگاه به  
بخش تیر خوردن اسفندیار منتقل می‌شود و این سه بیت را می‌آورد:  
بخوردم صد و شصت تیر خدنگ ننالیدم از مردی و نام و ننگ

<sup>۱۲</sup> در این جا کلماتی آمده که برای نگارنده ناخواناست و احتمالاً با «از» آغاز می‌شود.

<sup>۱۳</sup> نک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق (کالیفرنیا و نیویورک، بنیاد میراث ایران با همکاری بیبلیوتکا پرسیکا، ۱۳۶۹)، ۲: ۱۱۷، ح ۱.

<sup>۱۴</sup> نک: همان، ۵: ۳۵۳ - ۳۵۴ - ۷۳۳ - ۷۴۵، در چاپ مسکو و آقای جیحونی نیز شمار این ابیات محذوف سیزده بیت است اما در تصحیح ژول مول، یازده بیت.



— رفتن گیو به توران برای یافتن کیخسرو:

تو جمع آوری و دگر کس خورد به گور و به تابوت تو ننگرد  
(خالقی ۶/۴۱۷/۲)

— مرگ پهلوانان ایران در زیر برف:

کجا آن یلان و گوان و کیان ز اندیشه دل دور کن تا توان  
(خالقی ۳۰۹۷/۳۷۱/۴)

— داستان یازده / دوازده رخ:

من اندر جهان مرگ را زاده ام ز بیچارگی تن بدو داده ام  
(خالقی ۲۰۱۵/۱۳۰/۴)

— داستان فرود:

به بازیگری ماند این چرخ مست که بازی برآرد به هفتاد دست  
(خالقی ۴۷۴/۵۶/۳)

این که ابوالمجد تبریزی از داستان تقریباً ۱۷۰۰ بیتی رستم و اسفندیار، هفت بیت از گفتگوی این دو پهلوان را که یکی از بهترین بخش‌های داستان و حتی سراسر شاهنامه است انتخاب کرده و سیزده بیت تعلیمی دیگر را از سایر قسمت‌ها برگزیده است به خوبی آشکار می‌کند که وی با شاهنامه نیک آشنا بوده است.

در سفینه تبریز، ابیات شاهنامه در سه ستون (در هر برگ) و به صورت عمودی (ابیات زیر هم و نه به ترتیب افقی) نوشته شده و کاتب در بعضی برگ‌های مربوط به شاهنامه — همان‌گونه که در شماری از برگ‌های دیگر — پیش از آغاز ستون بعدی ابیات در برگ دیگر یا حتی همان برگ — از روش رکابه‌گذاری استفاده کرده است (ص ۵۶۸ — ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۴ و ۵۷۵ — ۵۷۷) با این که ابوالمجد تبریزی مردی باسواد و ادیب بوده است باز گاهی برخی خطاهای آشکار در ابیات شاهنامه دیده می‌شود که حتی اگر از دستنویس مورد استفاده وی در سفینه راه یافته باشد، همچنان جای این پرسش را باقی می‌گذارد که چرا کاتب آنها را اصلاح نکرده است؟ آیا به این دلیل که او خود را مقید به حفظ و انتقال عین ضبط‌های نسخه اساس کار می‌دانسته است؟ برای مثال:

همان‌گاه رستم چو آگاه شد سر پر خرد پر ز پیکارش (۵۷۷)  
بیتی است بدون قافیه و نادرست.<sup>۱۵</sup> هم چنین در برخی موارد، ضبط کلمات مثبت (بیشتر افعال) به صورت منفی آمده است (مثلاً: ندید به جای بدید) در حالی که در آن مقام، همه دستنویس‌های شاهنامه صورت مثبت واژه را دارند،

لذا این ویژگی یا مربوط به اشتباهات کتابتی است و یا ضبط خاص نسخه مبنای تحریر.

نکته دیگر این که در تعدادی از بیت‌های شاهنامه در سفینه، جای کلمه‌ای خالی مانده است، برای نمونه:

دراز است... و گر کوتاه است

پراکنده‌گانی اگر همزه است (۵۷۵)

م احتمالاً در این ابیات — که مجموع آنها بیش از دو یاسه بیت نیست — نسخه مورد استفاده ابوالمجد هم افتادگی داشته و او هر چند که شاعر بوده، نخواست است بسان برخی کاتبان شاهنامه در سخن فردوسی دست ببرد و از خود چیزی بر متن بیفزاید.

ابوالمجد تبریزی ابیات شاهنامه را به استناد تاریخی که خود آورده، به ترتیب در ۹، ۱۴ و ۱۶ جمادی‌الاولی سال ۷۲۱ نوشته است. برین اساس، تاریخ تحریر و تدوین نسخه‌ای از شاهنامه که وی ۱۲۴۵ بیت از آن را در سفینه خویش کتابت کرده، پیش از ۷۲۱ ق بوده است که تنها از دو دستنویس معتبر شاهنامه یعنی فلورانس (۶۱۴ق) و بریتانیا (۶۷۵ق) متأخرتر است، از این روی بررسی دقیق بیت‌های منتخب در سفینه تبریز، تا حدودی می‌تواند بعضی از ویژگی‌های کلی یکی از کهن‌ترین نسخ شاهنامه را به واسطه نشان دهد. البته قدمت تاریخی به‌تنهایی معیار هیچ‌گونه اصالت و اعتباری برای یک دستنویس نیست و در کنار این مشخصه، خصوصیات و قراین دیگری نیز وجود دارد که درجه اعتبار نسخه را تعیین می‌کند<sup>۱۶</sup>، اما همین که پژوهش در نسخه‌های شاهنامه یا منابع فرعی و میانجی نکته / نکته‌هایی را در شاهنامه‌شناسی (چه تحقیق و چه تصحیح متن) روشن کند، کافی است.

ویژگی‌های توجه‌برانگیزی که از بررسی ابیات شاهنامه در سفینه تبریز — و به تبع آن، دستنویس اساس کتابت این جُنگ — به نظر می‌رسد، ذیل موارد زیر قابل تقسیم‌بندی است:

### ۱. ضبط‌های منحصر به فرد

پس از مقابله ابیات شاهنامه در سفینه با ضبط‌های پانزده نسخه معتبر پایه تصحیح دکتر خالقی مطلق (با استفاده از نسخه بدل‌های این چاپ) و نیز چاپ عکسی نسخه سعدلو

<sup>۱۵</sup> در همه نسخه‌ها و چاپ‌های معتبر شاهنامه، قافیه مصرع نخست «بیدار» است.

<sup>۱۶</sup> در ارزیابی دستنویس‌های شاهنامه، علاوه بر تاریخ استنساخ، به این شش اصل توجه می‌شود: نقطه‌گذاری، ترتیب مصرع‌ها و ابیات، افتادگی، بیت‌های الحاقی، روایات الحاقی و ضبط واژه‌ها. در این باره، نک: جلال خالقی مطلق، «دستنویس شاهنامه (فلورانس)»، گل‌رنج‌های کهن، بکوشش علی دهباشی (تهران: مرکز، ۱۳۷۲)، ص ۳۴۶.



### هنوز آن گرامی نداند که چنگ

توان باز کردن به هنگام جنگ (۵۷۰)  
 قافیه مصراع نخست در ده دستنویس از نسخه بدل های  
 دکتر خالقی مطلق (۱۴۳/۲ ح ۱۹) و چاپ های ژول مول  
 (۴۵۸/۳۷۸/۲)، مسکو (۳۵۰/۱۹۷/۲) رستم و سهراب  
 بنیاد شاهنامه (۳۴۲/۲۲) و آقای جیحونی (۳۲۸/۳۳۶/۱)  
 و نیز ترجمه عربی بُنداری<sup>۱۷</sup> - با اختلاف در ضبط مصراع  
 دوم - «جنگ» است. دکتر خالقی ضبط نسخه های  
 دیگر را نداده و در متن «جنگ» آورده اند که اگر این انتخاب  
 تصحیح قیاسی باشد، ضبط سفینه تأیید نسخه شناسی آن است.

### دگر ره هجیر ستیهنده گفت

که از تو سخن می چه باید نهفت (۵۷۲)  
 در آغاز مصراع اول، نسخه ها و چاپ های شاهنامه سه  
 ضبط «از آن پس»، «وز آن پس» و «به پاسخ» دارند و صورت  
 «دگر ره» در سفینه نسبتاً دشوارتر است و چنان که اهل فن  
 می دانند قانون «ضبط دشوارتر برتر است» (Lectio difficilior)  
 مهم ترین اصل تصحیح انتقادی است.

### که امروز سهراب جنگ آزمای

چگونه به اسپ اندر آورد پای (۵۷۴)  
 همه نسخه ها و چاپ ها در مصراع دوم به جای «اسپ»  
 ضبط «جنگ» را دارند، اما در جای دیگر شاهنامه،  
 «جنگ» با استعاره «اسپ» که بتوان بر آن «پای اندر آورد»  
 به کار نرفته است و در دو شاهد دیگر، ترکیب «پای اندر آوردن»  
 با «اسپ» استعمال شده<sup>۱۸</sup> و از این نظر، صورت منفرد سفینه  
 قابل توجه است.

### ۲. تطبیق ضبط با یک، دو یا سه نسخه

در سفینه تبریز بیت هایی وجود دارد که ضبط بخشی از  
 آنها فقط با یک، دو یا سه نسخه از شانزده دستنویس مورد  
 بررسی در این یادداشت همخوانی دارد و نتیجه آماری این  
 تطبیق ها در تشخیص خانواده نسخه اساس کتابت این  
 جنگ و خویشاوندی آن با نسخ دیگر می تواند به کار آید.

(از قرن هشتم)<sup>۱۷</sup> مجموعاً ۲۷۶ ضبط (از یک حرف تا کل  
 یک مصراع) به دست آمد که در هیچ یک از این دستنویس ها  
 وجود ندارد و - صرف نظر از قوت و ضعف آنها -  
 به اصطلاح «یگانه و منحصر به فرد» است. از این ضبط ها،  
 دو مورد در مقدمه، ۲۰۹ نمونه در داستان رستم و سهراب،  
 ۴۸ مورد در داستان اکوان دیو، پنج نمونه در ده بیت رستم  
 و اسفندیار و دوازده مورد در سیزده بیت دیگر است.  
 در قدیمی ترین نسخه کامل شاهنامه، بریتانیا (۶۷۵ق)،  
 نیز چنین ضبط های یگانه ای دیده می شود که غالباً نتیجه  
 ذوق شاعرانه و دخالت های کاتب آن در متن شاهنامه است<sup>۱۸</sup>  
 اما در این جا با وجود این که ابوالمجد تبریزی کاتب شاعر  
 و فرهیخته ای بوده، به سبب این که شاهنامه را به طور کامل  
 کتابت نکرده بلکه براساس نسخه ای که در دست داشته،  
 برگزیده های از آن را در سفینه خویش آورده است و تعداد  
 ضبط های منحصر به فرد در نمونه بیت های بازنوخته او  
 بسیار است، می توان احتمال داد که این صورت های  
 واحد حاصل تصرفات او نیست و از نسخه مبنای  
 استنساخ او در سفینه وارد شده است. این نکته مهم که در  
 سیزده بیت برگزیده او از بخش های مختلف شاهنامه،  
 دوازده ضبط منحصر به فرد وجود دارد، احتمالاً ثابت می کند  
 که در سراسر نسخه مورد استفاده وی بسامد چنین  
 ضبط هایی بالا بوده و این موضوع در تبارشناسی این  
 دستنویس مربوط به قرن هفتم یا هشتم قابل ملاحظه است  
 چنان که با یک آمار تقریبی و توجه به نسبت ۲۷۶ ضبط  
 یگانه در ۱۲۴۵ بیت می توان حدس زد که شاید در پنجاه  
 هزار بیت کامل این نسخه (۱۲۵۰۰) صورت منحصر به فرد  
 وجود داشته که رقم - هر چند کاملاً احتمالی و نسبی -  
 بسیار زیادی است.

تقریباً هیچ یک از ۲۷۶ مورد ضبط واحد در سفینه،  
 اهمیت چندانی در برابر ضبط شانزده نسخه دیگر و طبعاً  
 تصحیح شاهنامه ندارد و فقط یکی دو نمونه از آنها تا حدی  
 سزاوار توجه و اشاره است:

<sup>۱۷</sup> ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی همراه با خمسه نظامی با مقدمه فتح الله مجتباتی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، برای معرفی و ارزیابی این نسخه، جز از مقدمه دکتر مجتباتی، نک: جویا جهانبخش، و بهاء الدین خرمشاهی، «ناموس چند ساله اجداد نیکنام»، بخارا، ش ۲۳ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۸۱)، صص ۳۳۷ - ۳۵۶؛ ابوالفضل خطیبی، «شاهنامه ای کهن» (همخوانی بخشی از دستنویس سعدلو با کهن ترین دستنویس کامل شاهنامه)، نشر دانش، ش ۱۰۴ (بهار ۱۳۸۲)، صص ۳۰ - ۳۶.

<sup>۱۸</sup> درباره این موضوع، نک: ابوالفضل خطیبی، «کاتب خوش ذوق و دردسر مصحح» (درباره کهن ترین دستنویس کامل شاهنامه ۶۷۵ق)، نشر دانش، ش ۱۰۶ (پاییز ۱۳۸۲)، صص ۱۹، ۲۶.

<sup>۱۹</sup> نک: الفتح بن علی البنداری، الشاهنامه، قارنها بالاصل الفارسی و اکمل ترجمتها فی مواضع و صححها و علّق علیها و قدم لها الدكتور عبدالوهاب عزّام (قاهره: دارسعاد الصباح، ط ۲، ۱۴۱۳ق)، ۱: ۱۳۶.

<sup>۲۰</sup> - بد آسوده اسپ اندر آورد پای یلان راز هر سو همی ساخت جای  
 - که ای نامداران جنگ آزمای سراسر به اسپ اندر آرید پای

(خالقی ۲۸۷/۲۱/۴)

(مسکو ۱۷۲/۶۳/۸)



جدول این هم خوانی‌ها به تفکیک هر بخش و نیز کلّ متن در سفینه چنین است<sup>۲۱</sup>:  
الف) مقدمه:

نام نسخه	قاهره (۷۴۱)	بریتانیا (۸۹۱)
تعداد تطبیق‌ها	۲	۱

ب) رستم و سهراب:

نام نسخه	میزان همخوانی
فلورانس (۶۱۴)	۲۵
بریتانیا (۶۷۵)	۶
لیدن (۸۴۰)	۶
واتیکان (۸۴۸)	۶
سعدلو (سده ۸)	۶
فلورانس و لیدن	۶
فلورانس و واتیکان	۴
فلورانس، قاهره، واتیکان، فورانس، قاهره، لیدن	۳

ج) اکوان دیو:

نام نسخه	میزان همخوانی
قاهره (۷۴۱)	۲۸
بریتانیا (۶۷۵)	۴
سعدلو (سده ۸)	۳
قاهره و بریتانیا	۳

د) کلّ متن (۱۲۴۵ بیت):

نام نسخه	بسامد
قاهره (۷۴۱)	۳۴
فلورانس (۶۱۴)	۲۶
بریتانیا (۶۷۵)	۱۰
سعدلو (سده ۸)	۹

بر اساس این آمار، شاهنامه مورد استفاده در نگارش سفینه، در داستان رستم و سهراب بیشتر، ضبط‌های واحد دستنویس فلورانس را تأیید می‌کند و در داستان اکوان دیو، پشتیبان صورت‌های منحصر به فرد نسخه قاهره (۷۴۱ق) است و در کلّ ۱۲۴۵ بیت به سوی دستنویس قاهره‌گرایش نشان می‌دهد. هم‌چنین در مواردی که ضبط سفینه با دو یا سه نسخه به‌طور مشترک مطابقت دارد، دفعات تکرار فلورانس به همراه یک یا دو دستنویس دیگر در داستان رستم و سهراب بیش از همه (۲۷ بار) و در داستان اکوان قاهره (۹ بار) افزون‌تر از سایر نسخ است. از نمونه‌های قابل توجه‌تر این تطبیق‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سواران ترکان تنی هفت هشت

بر آن دشت نخچیرگان برگذشت (۵۶۸)

ضبط دشوارتر «نخچیرگان» در مصراع دوم تنها در نسخه فلورانس و توپقاپوسرای (۹۰۳ق) آمده است. ۲۲ سه دستنویس دیگر و چاپ‌های شاهنامه، غیر از متن دکتر خالقی «نخچیرگه» دارند.

یکی دخت شاه سمنگان منم بر شک هزبر و پلنگان منم (۵۶۸)  
در این بیت پرماجرای داستان رستم و سهراب، اگر در مصراع دوم ضبط سفینه «به رشک» باشد – و نه مثلاً «بزشک» یا «بزشک» که نقطه‌های آن افتاده – با سه دستنویس فلورانس، آکسفورد (۸۵۲ق) و انستیتوی خاورشناسی (۸۴۹ق) همخوانی دارد. ۲۳ در نسخه‌ها و چاپ‌های دیگر صورت‌های «بسان»، «ز پشت»، «بزشک» و «بزشک» آمده است.

سخن بین درازی نباید کشید هنر برتر از گوهر آمد پدید (۵۶۹)  
ضبط مصراع نخست فقط در دو نسخه فلورانس و قاهره (۷۴۱ق) دقیقاً به این صورت است که در چاپ‌های دکتر خالقی مطلق (۱۳۱۷/۱۲۸/۲) و آقای جیحونی (۱۲۰/۳۲۸/۱) نیز به متن رفته است.

بدوگفت از اید [از ایدر] به یکسو شویم

به آوردگاهی بی‌آهو شویم (۵۷۳)  
ضبط مصراع دوم در نسخه‌ها آشفته است (خالقی ۱۶۹/۲ ح ۲۷، نسخه سعدلو، ص ۱۵۳) در چاپ مسکو (۶۷۶/۲۲۲/۲) و رستم و سهراب بنیاد شاهنامه (۶۶۷/۴۲) به صورت «به آوردگه هردو همرو شویم» آمده و دکتر خالقی، ضبط «به آوردگاهی بی‌آهو شویم» را اختیار کرده‌اند،

<sup>۲۱</sup> در این جدول‌ها صرفاً آمار بیشترین هم‌خوانی‌ها ارائه شده و در تطبیق با دو یا سه نسخه مواردی که یک یا دو بار تکرار شده، نیامده است.

<sup>۲۲</sup> نک: جلال خالقی مطلق، گفتاری در شیوه تصحیح و معرفی دستنویس‌ها (ضمیمه دفتر یکم شاهنامه)، (تهران: روزبهان، ۱۳۶۹)، ص ۱۲.

<sup>۲۳</sup> به نظر دکتر خالقی مطلق، در این بیت «به رشک» مفهوم‌تر است. نک: یادداشتهای شاهنامه (نیویورک: بنیاد میراث ایران، ۱۳۸۰)، ص ۴۹۶.



می‌توان نتیجه گرفت که در نسخه یا نسخه‌های شاهنامه که در قرن هفتم و هشتم در تبریز وجود داشته، این بیت به رغم شانزده دستنویس معتبر شاهنامه، به نام فردوسی آمده بوده و احتمالاً از آن جا در آثار دو ادیب تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود و علی بن محمد، راه یافته است. برای آگاهی نسبی از کمیّت ابیات الحاقی در سفینه می‌توان تعداد بیت‌های داستان رستم و سهراب را در آن با پنج چاپ معتبر از این داستان مقایسه کرد، آن‌گاه ملاحظه می‌کنیم که ۱۰۴۵ بیت رستم و سهراب سفینه - البته با شمارش ۲۵ بیت محذوف آن بر پایه چاپ دکتر خالقی - تنها از دو تصحیح دکتر خالقی (۱۰۱۴ بیت) و آقای جیحونی (۱۰۲۰ بیت) بیشتر است.

#### ۴. افتادگی‌ها

یکی از ویژگی‌های بعضی نسخ شاهنامه، افتادگی ابیات در روند داستان‌هاست که یا مبتنی بر دستنویس اساس استنساخ است و یا ناشی از اشتباهات کاتب و تعداد آنها از معیارهای سنجش اعتبار هر نسخه شمرده می‌شود. در ۱۲۴۵ بیت سفینه، در مجموع ۴۸ بیت از شاهنامه که در تصحیح دکتر خالقی مطلق در متن آمده، افتاده است. از این ابیات، ۲۵ بیت در رستم و سهراب، نه بیت در اکوان دیو و ۱۴ بیت از بخش رستم و اسفندیار است و در میان آنها بیت‌هایی دیده می‌شود که در شماری از دستنویس‌ها نیز نیامده است. سفینه تبریز از این نظر بیش از همه با نسخه واتیکان (۸۴۸ق) (پنج بار) و سپس قاهره (۷۴۱ق) (سه بار) همخوانی دارد. ضمناً این دو بیت از داستان اکوان دیو که در سفینه حذف شده، در پانزده دستنویس مبنای تصحیح دکتر خالقی و نسخه سعدلو (ص ۳۳۱) موجود است:

— پیچید بر زین و گرز گران بر آهیخت و چون پتک آهنگران  
— بزد بر سر دیو چون پیل مست سر و مغزش از گرز رستم به‌خست  
(خالقی ۱۳۰/۲۹۶/۳ و ۱۳۱)

#### ۵. به هم خوردن ترتیب عمودی

در سفینه تبریز، یازده بیت در داستان رستم و سهراب و یک بیت در روایت اکوان دیو در محور طولی داستان (بر اساس ترتیب متن دکتر خالقی مطلق) از جای خود تغییر کرده و یکی دو بیت پیش‌تر یا پس از محل اصلی آمده است. بیشترین فاصله جابه‌جایی ابیات در ترتیب عمودی در این مجموعه چهار بیت است.

تنها متن آقای جیحونی «به آوردگاهی بی‌آهو شویم» است (۶۵۳/۳۴۹/۱) که سفینه تبریز در کنار فلورانس و پاریس (۸۴۴ق) آن را همراهی می‌کند و ظاهراً در میان صورت‌های عموماً نادرست دستنویس‌ها همین ضبط بهتر و درست‌تر است.

#### ۳. بیت‌های الحاقی

همان‌گونه که در همه دستنویس‌های شاهنامه می‌بینیم، در سفینه تبریز نیز ابیاتی الحاقی به نام فردوسی آمده است. بیت‌های برافزوده در این سفینه دو نوع است: یا ابیاتی است که در بعضی از نسخ نیز آمده و در چاپ‌های منقح‌تر (خصوصاً متن دکتر خالقی) الحاقی دانسته شده است و یا بیت‌هایی است که در هیچ‌یک از شانزده دستنویس بررسی شده، نیامده و ویژه سفینه و نسخه مبنای آن است. ابیات نوع نخست روی هم ۲۷ بیت است که ۲۰ بیت آن در رستم و سهراب و هفت بیت در داستان اکوان دیو آمده است و در بین آنها باز ضبط‌های منحصر به فرد به چشم می‌خورد. از گروه دوم نیز پنج بیت در داستان رستم و سهراب و دو بیت در اکوان دیو است که یا اصلاً در دستنویس‌ها وجود ندارد و یا ضبط آنها به صورت موجود در سفینه‌یگانه است و هر هفت بیت در این جا آورده می‌شود:

— بیارید می تا شادی خوریم

که روزی را چون او بگذریم (!) ۲۴ (۵۷۲)

— ز یزدان همی آرزو دارم این

ز بهرش بخواهم ز بدخواه کین (۵۷۲)

— چو گفتار سهراب، رستم شنید

بیفتاد و هوش از دلش بردمید (۵۷۵)

— زواره چو آمد بر پهلوان

به تابوت کردند پور جوان (۵۷۶)

— جهان را همین است آیین و کار

که آمرزشی خواهد از کردگار (۵۷۶)

— دهن ناچران و سری پر ز خواب

همی آرزو آمدش نان و آب (۵۷۷)

— بکوشیم سخت و بتازیم تیز

چو آرام گیریم گویند خیز (۵۷۸)

بیت اخیر در سفینه تبریز در پایان داستان رستم و اکوان دیو آمده است و در هیچ‌یک از دستنویس‌ها و چاپ‌های شاهنامه نیست، اما بیرون از شاهنامه در کتاب «بلوهر و بیودسف» علی بن محمد تبریزی ذکر شده است (ص ۱۶۶) و از این جا

۲۴ طبق چاپ دکتر خالقی مطلق، علامت (!) نشانه فساد بیت است.



## ۶. تکرار ابیات

در مجموع ۱۲۴۵ بیت، چهار بیت در رستم و سهراب و یک بیت در اکوان دیو، دو بار نوشته شده است و جالب این که در دو نمونه، ضبط بیت (به ویژه مصرع دوم) با صورت پیشین تفاوت یافته است، برای نمونه این بیت: **بدان لشکر اندر چون او کس نبود** نیارست گردون سرش را پسود (۵۷۲)

بار دیگر به این شکل تکرار شده است:

میان سپه در چو او کس نبود بر رستم آمد پیرسید زود (۵۷۲) که مصرع دوم وجه اخیر منحصر به فرد است و در هیچ یک از دستنویس‌ها نیست. در نمونه دیگر نیز فاصله نگارش اول با تکرار بیت و این بار در جای اصلی آن، بیت (۲۸) معمولاً چنین تکرارهایی در نسخ، برخاسته از خستگی و خطای چشم کاتب هنگام استنساخ است، اما نمونه مذکور - که بیتی، ۲۸ بیت و نه مثلاً سه یا چهار بیت بعد، بازنوشته شده است - این حدس را که در دستنویس مورد استفاده ابوالمجد تبریزی هم چنین بوده، تقویت می‌کند.

## ۷. جابه‌جایی مصرع‌های ابیات

در سه بیت از متن رستم و سهراب سفینه تبریز، مصرع‌های دوم دو بیت جداگانه با یکدیگر جابه‌جا شده است. برای نمونه در این دو بیت:

— عنان را بیچید گرد آفرید تن خسته و بسته در دز کشید (۵۷۰)  
— در دز چو بگشاد گرد آفرید سمند سرافراز بر دز کشید (۵۷۰)  
در هفت بیت از همان داستان نیز جای دو مصرع یک بیت برعکس آمده که تنها یک نمونه از آنها با نسخه قاهره (۷۹۶ق) مطابقت دارد.

## ۸. تلفیق دو بیت در یک بیت

یکی از ویژگی‌های مشترک سفینه با نسخه‌های شاهنامه این است که در سه بیت از رستم و سهراب و بیتی از اکوان دیو، از تلفیق مصرع‌های دو بیت، یک بیت ساخته شده و یکی از آن دو بیت حذف شده است. برای مثال در این بیت از داستان اکوان:

ایا فلسفه‌دان بسیارگوی

نیاید به بُن هرگز این گفت و گوی (۵۷۶)

مصرع دوم، بخش دوم این بیت از همان داستان است که در سفینه نیامده است:

توگر سخته‌ایی راه سنجیده‌گوی نیاید به بُن هرگز این گفت و گوی (خالقی ۸/۲۸۸/۳)

به نوشته دکتر خالقی مطلق «این سهو تقریباً در همه دستنویس‌ها هست که کاتبان به خاطر یکسانی قافیه مصرعی را به جای مصرع دیگر می‌گیرند و بیت‌های میان آن دورا می‌اندازند». ۲۵

## ۹. سرنویس‌های داستان

حتی اگر سرنویس‌های روایات شاهنامه از خود فردوسی باشد، کاتبان در کاست و فزود و تغییر جای آنها - همچون بخش‌های دیگر متن - دخالت کرده‌اند. در سفینه تبریز هفده بار سرعنوان آمده است (چهارده بار در رستم و سهراب، دو بار اکوان دیو و یک مورد برگزیده رستم و اسفندیار و قسمت‌های مختلف) که از میان آنها دو نمونه در هیچ کدام از شانزده دستنویس بررسی شده، نیست و سه مورد با یک، پنج و سیزده بیت فاصله از محل اصلی خود در بعضی نسخه‌ها دیده می‌شود. در دو جا از داستان رستم و سهراب هم متن سفینه از نظر نداشتن سرنویس با نسخه‌های بریتانیا (۶۷۵ق)، بریتانیا (۸۹۱ق) و سعدلو هم خوانی دارد. تنها سرنویس داستان اکوان دیو به صورت «داستان اکوان دیو با رستم» دقیقاً به همین شکل در بریتانیا (۶۷۵ق) و سعدلو (ص ۳۲۹) آمده است.

## ۱۰. ته‌مینه یا ته‌مینه

نام همسر رستم و مادر سهراب، صرف‌نظر از بیت یا ابیات الحاقی، دو بار در داستان رستم و سهراب آمده است:

— چنین داد پاسخ که ته‌مینه ام تو گویی که از غم به دو نیمه ام (خالقی ۶۱/۱۲۲/۲)

— چو خندان شد و چهره شاداب کرد و را نام ته‌مینه سهراب کرد (خالقی ۹۸/۱۲۵/۲)

در نمونه نخست چنان که یکی از شاهنامه‌پژوهان نیز توجه کرده‌اند<sup>۲۶</sup>، به دلیل تفاوت حرف روی (م) و (ن)، قافیه بیت ایراد دارد. دکتر خالقی مطلق در هیچ‌یک از دو بیت برای «ته‌مینه» نسخه بدل نداده‌اند، اما در چاپ عکسی دستنویس فلورانس در هر دو بیت و نیز سرنویس بخش مربوط، آشکارا «ته‌مینه/Tahmine» آمده است<sup>۲۷</sup>، نسخه سعدلو هم در سرنویس و بیت

<sup>۲۵</sup> جلال خالقی مطلق، گفتاری در شیوه تصحیح و معرفی دستنویس‌ها، ص ۱۸.

<sup>۲۶</sup> رک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس، گزارش ابیات و واژگان دشوار به قلم عزیزالله جویی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۰)، ص: ۳۱۷، همو، «شاهنامه فلورانس بحث برانگیزترین دست‌نوشته»، نامه بهارستان، س ۳، ش ۱ (تابستان ۱۳۸۱)، دفتر ۵: ۲۰۷.

<sup>۲۷</sup> نک: فردوسی، شاهنامه (چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس مورخ ۶۱۴ هجری)، (تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی و دانشگاه تهران، ۱۳۶۹)، صص ۱۵۰-۱۵۲.





و به‌ناچار در سرنویس داستان و کاربرد دیگر این نام در غیر محلّ قافیه — کرده‌اند، بدون شواهد و قرینه‌های بیرونی دشوار است.

### ۱۱. تلفظ واژه «سوار»

حرکت‌گذاری بعضی از کلمات در شماری از دستنویس‌های مربوط به متون نظم و نثر، از ویژگی‌های مثبت این نوع نسخه‌هاست که در مطالعه‌گونه‌شناسی و تاریخ زبان پارسی بسیار سودمند است. از این نظر در سفینه تبریز نکته‌ای درخور بحث وجود دارد و آن تلفظ واژه «سوار» است که فقط در یک بیت از داستان رستم و سهراب به ضمّ (س) نوشته شده:

نیره جهاندار سام سوار

سوی مادر از ریحه<sup>(۴)</sup> نامدار (۵۷۶)

این واژه در دست‌نویس سعدلو نیز باضمّه (س) آمده است (ص هفت و برای نمونه ۱۳۹ متن) و دکتر خالقی مطلق هم در تصحیح خویش همه‌جا آن را با (س) مضموم، «سوار» خوانده‌اند که نگارنده نه توضیحی از ایشان در این باره دیده است و نه عکس نسخه فلورانس را به‌طور کامل و دقیق بررسی کرده که ببیند آیا در آن دستنویس نیز چنین تلفظی از «سوار» آمده است که احتمالاً دکتر خالقی در متن خویش از آن پیروی کرده باشد. جالب این که ولف نیز واژه را «suvār» آوانگاری کرده (فرهنگ شاهنامه، ص ۵۳۰) و در یگانه نسخه تا امروز شناخته شده منظومه کوش نامه هم بیشتر (سوار) نوشته شده است.<sup>۳۵</sup> این کلمه از نظر ریشه لغت و دگرگونی‌های آوایی<sup>۳۶</sup>، اصولاً باید در زبان رسمی و ادبی پارسی دری «savār / سوار» با فتح (س) تلفظ شود و احتمالاً «sovār / سوار» مربوط به یکی از گونه‌های زبان پارسی است چنان که مثلاً: جهان، دبیر، چگونه و...<sup>۳۷</sup>، لذا پرسش مهمی که پیش می‌آید

اول که واژه مورد بحث در محلّ قافیه است، «تهمیمه»، و در بیت دیگر، همان صورت معروف «تهمینه» را دارد (ص ۱۴۰ و ۱۴۱) و گویا در دستنویس قاهره (۷۴۱ق) نیز «تهمیمه» نوشته شده است.<sup>۳۸</sup> بُنداری در ترجمه عربی خویش نام این بانو را نیآورده تا ضبط نسخه مورد استفاده او معلوم شود و از چاپ‌های شاهنامه فقط ژول مول در هر دو مورد و سرنویس، «تهمیمه» آورده (۳۶۱/۲ و ۳۶۵) و ظاهر آفریتز ولف نیز بر همین اساس هر دو وجه «تهمیمه» و «تهمینه» را در واژه‌نامه بسامدی خود ثبت کرده است.<sup>۳۹</sup> در سفینه تبریز در هر دو بیت یاد شده از رستم و سهراب، کاملاً خوانا «تهمیمه» کتابت شده (ص ۵۶۸) و این، در کنار سه دستنویس معتبر دیگر، شاهد مهمی است تا بحث درباره صورت درست و اصلی نام همسر رستم را با اهمیت بیشتری مطرح کند. متأسفانه نام تهمینه / تهمیمه در منابع متقدم نیامده تا شاید بررسی متن و احیاناً نسخه‌بدل‌های آنها راه به جایی ببرد، اما چون یکی از اصول تصحیح علمی — انتقادی شاهنامه توجه به کیفیت قافیه‌های فردوسی است<sup>۴۰</sup> باید اشاره کرد که اختلاف روی قافیه موصول — همان‌گونه که در (تهمینه) و (نیمه) می‌بینیم — تا جایی که نگارنده جستجو کرده، تنها یک شاهد نظرگیر در شاهنامه دارد<sup>۴۱</sup> که در آن جا هم احتمال تحریف ضبط دستنویس‌ها یا تلفظ نزدیک (هم‌مخرجی) حروف روی (نازی / برگشادی) وجود دارد<sup>۴۲</sup> و عیب اِکفا به شدت نمونه مورد بحث نیست.<sup>۴۳</sup>

در هر حال اظهار نظر قطعی درباره این که «تهمینه» و عیب قافیه بیت مذکور «ناشی از دستبرد کاتبان»<sup>۴۴</sup> است یا برعکس، ضبط «تهمیمه» اصلاحی است که بعضی از نسخه‌نویسان باسواد و نکته‌سنج در قافیه فردوسی —

۳۸ نگارنده به عکس نسخه قاهره دسترسی ندارد و این نکته را به استناد یادآوری شفاهی آقای مصطفی جیحونی و اشاره یکی از فرهنگ‌های شاهنامه نقل کرده است. نک: حسین شهیدی مازندرانی، فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جای‌ها)، (تهران: بنیاد نیشابور، نشر بلخ، ۱۳۷۷)، ص ۲۳۹.

۳۹ نک: فریتس ولف، فرهنگ شاهنامه فردوسی (تهران: اساطیر ۱۳۷۷)، ص ۲۵۳.

۴۰ در این باره و برای بحثی کوتاه و در عین حال سودمند درباره قوافی شاهنامه، نک: محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر (تهران: آگاه، ۱۳۸۱)، صص ۳۶۹ — ۳۸۸؛ آقای مصطفی جیحونی نیز یکی از معیارهای تصحیح خویش را دقت در ضوابط قافیه‌های ۸۰۰۰ بیت آغازین شاهنامه ذکر کرده‌اند. نک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی، تصحیح انتقادی، مقدمه تحلیلی، نکته‌های نویافته مصطفی جیحونی (تهران: شاهنامه‌پژوهی، ۱۳۷۹)، کتاب صفر، ص ۱۲۳.

۳۱ — بدوشاد باشی و نازی بدوی همه راز دل را گشایی بدوی (۱) (خالقی ۱۹۳/۵۲/۱)

۳۲ در این باره، نک: خالقی مطلق، یادداشت‌های شاهنامه، ص ۶۹.

۳۳ تا پیش از انتشار پژوهش دکتر نقیب نقوی درباره «قافیه در شاهنامه» که به راهنمایی دکتر شفیعی کدکنی کار شده است، داوری قطعی و بدون استقصای کامل در باب عیوب قافیه در شاهنامه، دور از احتیاط است و باید منتظر انتشار این رساله بود. [شکوه سرون (بررسی موسیقی شعر در شاهنامه فردوسی)، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۴].

۳۴ برای توضیحی کوتاه درباره عیب‌های قافیه در شاهنامه، نک: خالقی مطلق، «نگاهی به هزار بیت دقیقی»، سخن‌های دیرینه، به کوشش علی دهباشی (تهران: افکار، ۱۳۸۱)، ص ۳۹۷.

۳۵ نک: ایرانشاه بن ابی‌الخیر، کوش نامه، به کوشش جلال متینی (تهران: علمی، ۱۳۷۷)، ص ۴۸.

۳۶ درباره ریشه‌شناسی «سوار»، نک: محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱)، ۱۷۲:۲، شادروان دکتر معین آن را در صورت قدیم (۴) suwār و با عنوان کلمه فارسی suvār آوانگاری کرده‌اند اما توضیح نداده‌اند که چگونه و با چه قراین و دلایلی، asab āra پارسی باستان و asb ār پهلوی، با (س) مضموم — و نه مفتوح — تلفظ می‌شود؟

۳۷ درباره گونه‌های زبانی در نسخه‌های خطی و شواهد واژگانی آن، نک: نجیب مایل هروی، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰)، صص ۴۴، ۳۱۹ — ۳۳۰.



این است که «سوار/sovār» در سفینه تبریز، نسخه سعدلو و دستنویس کوش نامه، تلفظ گویشی کاتب این متن هاست یا این که در زمان و گونه زبانی فردوسی و ایرانشاه / شان بن ابی‌الخیر هم «سوار» باضم (س) ادا می‌شده است؟ و چه دلایل یا حداقل قرینه‌هایی یکی از این دو پرسش را پاسخ می‌گوید و ثابت می‌کند. ثانیاً: اگر «سوار/sovār» بازمانده گونه زبانی کاتبان باشد، در یک تصحیح علمی - انتقادی می‌توان آن را به عنوان تلفظ درست و اصلی، در زبان و متن شاهنامه، کوش نامه یا هر اثر ادبی دیگر اعمال کرد؟

### نسخه ابوالمجد از شاهنامه

پس از ذکر مهم‌ترین ویژگی‌های ابیات شاهنامه در سفینه تبریز، لازم است توضیحی کوتاه نیز درباره نسخه اساس کتابت آن آورده شود. تبریز در قرن هفتم و هشتم هجری (دوران تألیف و تحریر سفینه) یکی از فعال‌ترین مراکز نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی ایران بوده است<sup>۳۸</sup> و به هیچ روی بعید نیست که نسخه شاهنامه مورد استفاده ابوالمجد تبریزی، یکی از دستنویس‌های استنساخ شده در این شهر باشد. افزون بر کلیت رواج هنر کتابت در تبریز عصر ایلخانی، شواهد و نمونه‌هایی از نگارش نسخه‌های شاهنامه نیز در این شهر در دست است. برای مثال به احتمال بسیار، شاهنامه مصور معروف به دموت در حدود سال‌های (۷۳۰ - ۷۳۶ق) در کانون نسخه نویسی تبریز فراهم آمده بود<sup>۳۹</sup> و در موزه ملی کراچی، دستنویسی از شاهنامه به تاریخ (۷۵۲ق) موجود است که کاتب آن محمد عبدالکریم تبریزی نام دارد<sup>۴۰</sup> و شاید نسخه را نیز در زادگاه خود نوشته است. مهم‌تر از این دو مورد، کتاب فراندالسلوک (تألیف: ۶۰۹ق) است که ظاهراً کهن‌ترین دستنویس آن مورخ ۶۴۱ق است و در آن، صورت‌های اصیلی از بعضی ابیات شاهنامه به جای مانده است، برای نمونه در این بیت:

میازار موری که دانه کش است

کی او نیز جان دارد و جان خوش است

(فراندالسلوک، ص ۱۶۶)

مصراع دوم در مقایسه با وجه متداول تر «که جان دارد و جان شیرین خوش است» ضبط کهن تری است که در چند نسخه هم تأیید می‌شود<sup>۴۱</sup> و بر این اساس می‌توان حدس زد که در قرن ششم و هفتم در تبریز، دستنویس‌هایی قابل اعتنا از شاهنامه موجود و در دسترس ادبا بوده است.

به قیاس ۱۲۴۵ بیت شاهنامه در سفینه تبریز و ویژگی‌های آنها، در یک ارزیابی کلی و کاملاً احتمالی می‌توان نتیجه گرفت که دستنویس مورد استفاده ابوالمجد تبریزی، با این که در تأیید ضبط‌های واحد، بیشتر به دو نسخه فلورانس (۶۱۴ق) و قاهره (۷۴۱ق) و در افتادگی‌ها به واتیکان (۸۴۸ق) و باز قاهره متمایل است - و این هر سه نسخه از نظر تبارشناسی متعلق به یک شاخه‌اند - به دلیل داشتن ضبط‌های منحصر به فرد بسیار و ابیاتی الحاقی که در هیچ یک از شانزده دستنویس معتبر شاهنامه دیده نمی‌شود، احتمالاً از مادر نسخه و خانواده ویژه و جداگانه‌ای بوده است که در بخش‌هایی با نسخه‌های معتبر، خویشاوندی نداشته اما اثبات یا رد این گمان و تعیین دقیق خویشاوندی این نسخه - به رغم متغیر بودن ارتباط بیشتر دستنویس‌های شاهنامه -<sup>۴۲</sup> مشروط به مقابله کامل همه ۱۲۴۵ بیت با تمام ضبط‌های شانزده نسخه در متن عکسی آنهاست.

نکته دیگر این که این دستنویس هر چند به لحاظ تاریخ کتابت، شاید سومین نسخه کهن شاهنامه بوده ولی اعتبار و اصالت آن همسنگ سایر نسخه‌های قدیمی مانند: تویفایوسرای (۷۳۱ق)، نلین‌گرا (۷۳۳ق) و قاهره (۷۴۱ق) نبوده است و نهایتاً آن را باید دستنویسی متوسط دانست که می‌توانست در حاشیه تصحیح شاهنامه مورد مراجعه قرار گیرد و احیاناً برخی ضبط‌های یگانه و دشوار تر را تأیید کند. امید است که این نسخه نیز اگر تا امروز از گزند روزگار در امان مانده، همچون دستنویس سعدلو روزی از گوشه‌ای رخ بنماید.

<sup>۳۸</sup> نک: نجیب مایل هروی، همان، ص ۱۰۲.

<sup>۳۹</sup> در این باره، نک: مهدی غروی، «سیمرغ سفید» (نگرشی ژرف در چگونگی استمرار فرهنگی ایران زمین با بررسی شاهنامه و نقش و نگارهای آن در هزار سال گذشته)، هنر و مردم، ش ۱۹۱ - ۱۹۲ (شهریور و مهر ۱۳۵۷)، ص ۸۹؛ ا. گرابر «هنرهای تجسمی (۴۴۲ - ۷۵۱ق)»، تاریخ ایران (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ۵: ۶۱۶؛ شیلانکبای، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر (تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، ۱۳۸۱)، صص ۳۳ - ۳۴.

<sup>۴۰</sup> ایرج افشار، کتابشناسی فردوسی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵)، ص ۲۱۲.

<sup>۴۱</sup> درباره این بیت و ضبط درست آن، نک: جلال خالقی مطلق، «نفوذ بوستان در برخی از دستنویس‌های شاهنامه»، گل رنج‌های کهن، صص ۱۷۱ - ۱۷۴، همو، «اهمیت و خطر مآخذ جنبی در تصحیح شاهنامه»، ایران‌شناسی، سال هفتم، شماره ۴ (زمستان ۱۳۷۴)، ص ۷۴۰؛ شاهنامه، دفتر یکم ۵۰۱/۱۲۰؛ محمدآمین ریاحی، همان، ص ۱۰۴.

<sup>۴۲</sup> برای بحث خویشاوندی نسخ شاهنامه، نک: ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه فردوسی، به کوشش جلال خالقی مطلق (تهران: روزبهان، ۱۳۶۸)، دفتر یکم، صص بیست و یک و بیست و دو پیشگفتار؛ همو، گفتاری در شیوه تصحیح و معرفی دستنویس‌ها، صفحات مختلف.